

و خالی از شوب انحراف نه برابر آنکه از ایشان خطی  
 بین در افعال ظاهر نشود و در سنگ مراتب اعتدال  
 منحرفند و بنا برین تقریر تفاوت در مدارج کمالی بحسب  
 تفاوت در قرب بجان وسط اعتدال باشد و قوا  
 بطلب روحانی بر قیاس و بیجا قواعد طب جسمانی  
 و شکی نیست که اعتدال با بعضی نیز اگر چه مستحق دارد و با  
 خالی از صعوبتی نیست و اگر چه در مقام مبالغه وصف آن  
 برقت شعر و حدت سیف نمایند دور از کار نه والله بکلام  
 من یشاق الی صراط مستقیم و چون انحراف از وسط باشد  
 افراد باشد یا بطرف تفریط کسب بازاری بر فضیلتی در  
 ردیلت باشد که آن فضیلت میان هر دو باشد و چون  
 مستسین شد که اجناس فضیلت چهار است ازینست  
 منت باشد و از آن اطراف باشند نسبت  
 با حکم و آن سفید و بل باشد من طرف افراط و آن کمال

از

قوت فکر است در آنچه واجب نیست یا زیاده از قدر واجب  
 و از آنکه نری نخواستند به طرف تفریط و آن تعطیل قوت  
 فکر است بمراد و ترک استعمال آن در واجب با تفریط  
 در استعمال آن بکثر از حد واجب و در از آن طرف  
 شجاعت اند و آن تصور است و چون اول طرف افراط است  
 و آن اقدام است بر ممالک که عقل از اجیل نماند و در  
 طرف تفریط و آن حذر است از چیزی که حذر از آن سخن  
 و در از آن طرف غف اند و آن شره است و خود اول  
 افراط است و آن میل بشهوه است زیاده از مقدار سخن  
 و ثانی تفریط و آن سکون نفس است از حرکت در طلب  
 ضروری که شرع و عقل از آن سخن با جایز شود باشد  
 از روی اختیار از روی تعلقت و در از آن طرف عدالت است  
 و آن ظلم است و انتظام اول طرف افراط است و آن  
 تصرف در حقوق مردم و امور ایشان است و ثانی تفریط